



Email: [bazr1384@gmail.com](mailto:bazr1384@gmail.com)

## دانشگاه سنگر مبارزه و آزادی است! چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید!

بیانیه‌ی نشریه‌ی دانشجویی بذر به مناسبت 16 آذر روز دانشجو

16 آذر فرا رسیده و ما سالی پر فراز و نشیب را از سر گذرانیم. سالی که با فروکش مبارزات خیابانی، با سرکوب‌ها، با حمله به دانشگاه و دانشگاهیان به شکل دستگیری فعالین دانشجویی، اخراج و تعلیق و محرومیت از تحصیل، اخراج استادان مخالف و بازنشسته نمودن اجباری آن‌ها، جداسازی‌های جنسیتی در قسمت‌های مختلف دانشگاه، تغییر دروس علوم انسانی و اسلامی نمودن آن‌ها، و با تهدید به "انقلاب فرهنگی دوم" و آخرین آن‌ها انحلال دانشگاه علوم پزشکی ایران رقم خورد.

### از ما می‌ترسند!

چرا که ما همواره به پا دارنده‌ی آتش‌ها بوده‌ایم. این ما بودیم که در سال گذشته سرنوشت خویش را در دست گرفته و خیابان‌ها را به عرصه‌ی نبرد با مزدوران رژیم بدل کردیم. این ما بودیم که شعار مرگ بر دیکتاتور و رهبر را فراگیر کردیم. این ما بودیم که گسترده‌ترین و رزمنده‌ترین 16 آذر تاریخ جنبش دانشجویی را در میان مردم و در خیابان برگزار کردیم. این ما بودیم که علیرغم فروکش مبارزات خیابانی پرچم مقاومت را در دست گرفته‌ایم. آنان با حملات بی‌شرمانه می‌خواهند از ما انتقام گیرند و ما را به خاطر سرکشی‌ها و بی‌باکی‌های مان تنبیه کنند.

از ما می‌ترسند چرا که چشمان بسیاری به ماست. رژیم به خوبی می‌داند که جنبش دانشجویی، تأثیرگذارترین جنبش در صحنه سیاست ایران است. دانشجویان به دلیل سروکار داشتن با علم و تأثیرگیری از طبقات مختلف جامعه و گرایش‌های گوناگون حساس‌ترین و سیاسی‌ترین بخش جامعه را تشکیل می‌دهند و جنبش دانشجویی همواره خار چشم حکومت‌های مرتجع بوده و هست. جمهوری اسلامی از عمق بی‌پایه‌گی خود در میان دانشجویان با خبر است و می‌داند که آنان هر آن می‌توانند جرعه‌ای بر انبار باروت زنند و بار دیگر خشم کین‌سی و یکساله مردم را منفجر کنند. همه‌ی این دلایل کفایت تا بفهمیم چرا برای زهر چشم گرفتن از مردم و برای سرکوب و خاموش نمودن اعتراضات، دانشگاه هدف سرکوبگران است.

### می‌خواهند ما را خنثی کنند!

این خنثی‌سازی چند سویه است. از یک سو جناح غالب با توطئه و سرکوب و با عوام‌فریبی و دروغ‌پراکنی می‌خواهد دانشگاه را به پادگان، قبرستان و محلی برای تبلیغ خرافه و دین بدل کند.

از سوی دیگر جناح مغلوب (امثال کروی، خاتمی و موسوی) با دعوت ما به آرامش می‌خواهند مانع از تکرار وقایعی چون 16 آذر سال گذشته و تظاهرات روز عاشورا شوند. آنان از رادیکالیسم میان ما و مردم به وحشت افتادند. برای همین فرمان عقب‌نشینی صادر کردند. آنان بزرگترین خیانت را به مبارزات مردم و جانب‌باختگان خیزش و جوانان مصمم و مبارز کردند. تمام راه‌کارهای رهبران سبز در طول مدت مبارزات مردم در سال گذشته گویای این بود که آن‌ها سعی داشتند خیزش را مهار و کنترل کنند. روحیه‌ی سرکش ما با اهداف حقیرشان - سهم‌خواهی از قدرتی فاسد و ستمگر - هم‌خوانی نداشت. آن‌ها تنها زمانی به ما روی می‌آورند که ما پا را از اهداف‌شان فراتر نگذاریم.

به ما پیام می‌دهند ولی برای از "دست دادن فرصت‌ها" یا "شیوه‌ی خریدن فرصت‌ها" توسط جناح غالب ابراز نگرانی می‌کنند. برای نمونه می‌توان به پیام موسوی به مناسبت ماه آذر رجوع کرد و دریافت که چگونه مانند همیشه نگران بقای نظام است و مخالفت‌اش با جناح غالب به دلیل "از دست دادن فرصت‌ها تا نابودی نظام" است. او تحت عنوان "شورش کور" با اعتراضات رادیکال ما مخالفت می‌کند و ما را به مبارزه‌ای بدون خشونت فرا می‌خواند.

او از ما می خواهد به آگاهی مسلح شویم البته به "آگاهی اسلامی"! غیر از آن رفتارمان از نظر او "نابهنجار" خواهد بود. او و جناح او که اکنون از قدرت رانده شده اند راه حل مشکلات جامعه را بازگشت به قانون اساسی و التزام بدان می دانند. یعنی همان قانونی که بر مبنای آن در سال 59 انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها صورت گرفت و دانشجویان به خاک و خون کشیده شدند. همان قانونی که بر مبنای آن بهترین جوانان و دانشجویان و فعالین سیاسی به جوخه های اعدام سپرده شده اند. همان قانونی که بر پایه اش هزاران نفر در مدت کوتاهی در سال 67 به دار آویخته شدند. این همان قانون ضد زنی است که بر پایه ی شرع تدوین شده و جامعه را در تمامی ابعاد به قهقرا برده و فاجعه آفریده است. مشغله ی اصلی رهبران سبز همراهی با خواست های بنیادین مردم نیست بلکه چگونگی حفظ نظام است. در این زمینه نباید هیچ توهمی نسبت به آنان داشت. اختلاف شان با جناح غالب بر سر شیوه های گرداندن این نظام است. بی جهت نیست که موسوی در انتقاد به طرح یارانه ها بر "شیوه غلط خریدن فرصت توسط دولت" انگشت می گذارد نه اصل این طرح خانمان سوز، طرحی که همه جناح ها با آن موافق اند.

زره ای عنصر رهایی بخش در چنین پیام هایی وجود ندارد. یکی از دلایل اصلی به ثمر نرسیدن فداکاری های ما در مبارزه ی سال گذشته و فروکش مبارزات خیابانی در وجود چنین "رهبران" و "راه ها" و "خواست هایی" است که این رهبران مبلغ آن بوده اند. باید با چشمانی باز به این واقعیت بزرگ نگاه کنیم و از آن درس بگیریم.

### ما نیاز به ایده های جدید و راهکارهای جدید داریم!

اکنون که ماهیت و بی ثمری "جنبش سبز" و رهبران آن بر بسیاری از ما روشن شده است. باید به فکر کارهای اساسی باشیم. سئوالات بی شماری ذهن بسیاری از ما را به خود مشغول کرده است. چرا خیزش سال گذشته وسط راه ایستاد و نتوانست تکلیف این حکومت را روشن کند؟ چگونه می توان از شر این حکومت مذهبی رها شد؟ چرا رهبری سبز وسط کار جا زد؟ به کدام رهبری می توان تکیه زد؟ چه مسیری باید رفت؟ تحت هدایت چه تفکر و سیاستی؟ چرا اصلاح این حکومت کارساز نیست؟ برای چه جامعه ای باید مبارزه کرد؟

پیگیری در دست یافتن به پاسخ های صحیح در این زمینه ها ما را وادار می کند که علم رهایی جامعه را فرا بگیریم. این علم 160 سال پیش توسط مارکس بنیان نهاده شد. نام این علم کمونیسم است. با کشف قوانین این علم، انقلابی در تفکر بشر پدید آمد. برای نخستین بار بشر با عمیق ترین، منظم ترین، منسجم ترین و همه جانبه ترین دیدگاه و روش علمی روبرو شد. با تکیه بر این علم می توان تضادهای جامعه را شناخت و در جهت تغییر اساسی آن گام برداشت. این علم متعلق به طبقه ی کارگر و همه ستمدیدگان جهان است. این علم دگرگون کننده و انقلابیست و راه غلبه بر کلیه تضادهایی که موجب درد و رنج بشر گشته را نشان می دهد و قادرست راه رهایی بشر را ترسیم کند. همه قادرند این علم را فراگیرند. علمی که زنده و پویاست و در جریان انقلاب های بزرگ قرن بیستم و پیروزی ها و شکست های متعدد تکامل یافت. تنها با تکیه بر این علم است که می توان به پرسش های کلیدی پیش روی پاسخ داد، دوست و دشمن را شناخت، راه را از بیراهه تشخیص داد، از گام برداشتن در راههای ناشناخته نهراسید و مسیر موفقیت را ترسیم کرد. از این روست که می گوئیم چشم ها را باید شست، جور دیگری باید دید.

فراگیری علم کمونیسم توسط بخشی از دانشجویان نه تنها موجب تقویت جنبش کمونیستی می شود بلکه به استحکام جنبش دانشجویی نیز یاری می رساند. بخش چپ جنبش دانشجویی ایران می تواند مبنکر به راه انداختن جنبشی انقلابی آگاهانه در میان دانشجویان و به طور کلی جوانان گردد. این نیاز فوری جامعه ی ماست و باید پاسخ گیرد. جنبشی که علیه قید و بندها بپاخیزد و مبارزه ای جسورانه و همه جانبه را علیه تمام جناح ها و ابعاد و وجوه این رژیم به پیش برد. راه حل های کهنه امروز و دیروز رهبری ارتجاعی سبز راه گشا نیست. ما باید تلاش کنیم جنبشی را شکل دهیم که از آن ما باشد و به دست ما برپا شود و پاسخگوی نیاز ما به ایده ها و فرهنگ نو، اخلاقیات و رفتارهای نو باشد. با دین و خرافه و توسل به ماورا الطبیعه به جایی نمی رسیم.

ما نیاز به جنبشی داریم که تمامی پتانسیل های انقلابی را شکوفا کند؛ مشخصاً انرژی و خشم دختران جوان را به حداکثر به میدان آورد. نیروی انقلابی تازه نفسی که تا قبل از خیزش 88 نادیده گرفته می شد ولی در خیزش سال گذشته چشم دنیا را خیره کرد. نیرویی که همیشه با تفکرات مرد سالارانه حاکم بر جامعه روبرو بوده و همواره آماج حملات نیروهای حراست و بسیج در سطح دانشگاه و نیروهای امنیتی در جامعه بوده است. تقویت نقش پیشرو دختران دانشجو در حرکت های اعتراضی رادیکال، به معنای تضعیف هر چه بیشتر حکومت دینی است که زن ستیزی جز لاینفک آن است.

#### ما به جنبش مستقلی نیاز داریم که:

- دنباله روی هیچ يك از جناح های حاکمیت و تشکلات وابسته به آنان نباشد.
- افشاگر استبداد داخلی و دخالت های امپریالیستی باشد.

- افشاگر جهل و خرافه و مذهب باشد و جدایی دین از دولت را تبلیغ کند.
- افشاگر کلیه طرح های ارتجاعی اقتصادی مشخصاً طرح هدفمند کردن یارانه ها باشد که هدفی جز فقیرتر کردن بیشتر مردم و له کردن طبقات تحتانی و افشار کم در آمد شهر و روستا ندارد.
- در کنار مبارزات کارگران و زحمت کشان شهر و روستا، زنان، معلمان و دانش آموزان و ملل تحت ستم قرار گیرد و از آن ها دفاع کند.
- مدافع آزادی های سیاسی و دمکراتیک در جامعه باشد.
- مدافع آزادی اندیشه و جوشش فکری باشد و فضای آزادی برای مباحثات نظری ایجاد کند.
- هدفش ارتقا سطح توقعات و افق دید مبارزاتی مردم به ویژه جوانان باشد؛ از طریق دامن زدن به بحث بر سر معنای رهایی (رهایی از کلیه ی اشکال ستم و استثمار و ایده ها و افکار سنتی و ...)

باشد تا 16 آذر امسال را بر چنین راستایی برگزار کنیم.

باشد تا روز دانشجو را به روز اعتراض به تمام سرکوب ها، طرح ضد مردمی هدفمند کردن یارانه ها، جداسازی جنسیتی، بومی گزینی، محرومیت از تحصیل دانشجویان معترض، اسلامی کردن دروس علوم انسانی، انحلال دانشگاه ها و پراکنده کردن استادان و دانشجویان به اطراف شهرها، قوانین ضد دختران در سطح دانشگاه، پولی کردن دانشگاه ها، حضور نهادهای نظامی در صحن دانشگاه بدل کنیم؛ آزادی تمامی زندانیان سیاسی و فعالین دانشجویی را خوستار شویم و محاکمه کلیه ی عاملین و آمرین جنایات رژیم را طلب کنیم.

**دانشجو به پا خیز، آینده در مشت توست!**

16 آذر 1389